

تحلیل فقهی و حقوقی اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی

امیر احمدی*، یاسر یوسفی**

چکیده

در نظام علمی هر کشور نظارت بر عملکرد اعضای هیئت علمی اهمیت بسیاری دارد. در صورت تخلف عضو هیئت علمی دانشگاه رسیدگی به تخلف او بر حسب مورد امری اجتناب ناپذیر است. بر اساس قانون و آیین نامه اجرایی مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور، فرایند رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی، در هیئت انتظامی بدوی و تجدیدنظر است. شایان ذکر است که رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و فرایند رسیدگی بر اساس آیین نامه این دانشگاه خواهد بود. هدف این پژوهش بررسی نواقص و ارائه راهکارهای اصول دادرسی منصفانه با نگاهی بر فقه، درباره فرایند رسیدگی در مرجع رسیدگی تخلفات اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خواهد بود. روش پژوهش کیفی و با بهره‌گیری از پرسش انجام شده است. یافته این پژوهش این است که مقررات این حوزه دارای خلأها و نواقصی است که در برخی از موارد باعث تضییع حقوق عضو هیئت علمی در فرایند رسیدگی می‌گردد. از جمله این موارد می‌توان به عدم حضور وکیل، ضعف در مستند و مستدل بودن احکام صادره از هیئت، تخصصی نبودن فرایند رسیدگی، غیرحضوری بودن، غیرعلنی بودن رسیدگی‌ها، عدم تسلط کافی اعضای هیئت تخلفات به قوانین اشاره نمود که برای هر یک راهکار ارائه شده است.

واژگان کلیدی: هیئت رسیدگی به تخلفات، فرایند رسیدگی، دانشگاه، تخلفات انتظامی، عضو

* استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Amir.Ahmadi@pnu.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران yaser.yousefi1360@gmail.com

هیئت علمی

مقدمه

«حق برخورداری از دادرسی منصفانه»، دربردارنده مجموعه‌ای از اصول و قواعد است که جهت رعایت حقوق طرفین در رسیدگی به دعوای آنان پیش‌بینی گردیده است. این تضمینات در اسناد بین‌المللی حقوق بشر (رایجیان اصلی، ۱۳۹۳: ۱۲۳) و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، محور و مبنای متحدالشکل نمودن آیین دادرسی در حوزه‌های مختلف قرار گرفته است (یاوری، ۱۳۸۳: ۳) و به این اصول در فقه نیز اشاره شده است.

اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ممکن است که مرتکب تخلف و نقض قوانین و مقررات شوند و مسئولیت کیفری، مدنی و انتظامی متوجه آن‌ها شود. در برخی از موارد مسئولیت اعضای هیئت علمی مربوط به انجام وظایف محوله می‌باشد که به‌طور عمدی یا سهوی آن وظیفه را ترک می‌کنند یا مرتکب فعلی می‌شوند که تخلف است. گاهی موارد نیز مسئولیت آن‌ها ناشی از نقص وسائل ادارات، مؤسسه و دانشگاه است که در این صورت اگر در اثنای خدمت‌رسانی خسارتی وارد آید بر موجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مسئولیت آن بر عهده دانشگاه یا مؤسسه خواهد بود. در صورتی که فعل یا ترک فعل عضو هیئت علمی ناشی از تخلف در انتظامات اداری که ناشی از وظایف او است باشد، مسئولیت انتظامی یا اداری متوجه او می‌شود. باید متذکر شد که اعضای هیئت علمی وزارت علوم و تحقیقات و وزارت بهداشت و درمان و اعضای هیئت علمی سایر وزارتخانه‌ها^۱ از شمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۲۳ مستثنا هستند^۲ (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۹۳: ۲۱۸). بر اساس قانون مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۴ و نیز به‌موجب ماده ۳۷ آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۶۵، کلیه اعضای هیئت علمی رسمی (قطعی و آزمایشی)، پیمانی و قراردادی این وزارتخانه‌ها مشمول قوانین و مقررات مارالذکر می‌شود. قابل ذکر است که رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی بر اساس آیین‌نامه مستقل خود است. حال با بررسی و تدقیق در قوانین نواقص و خلأها و ناکارآمدی‌های آن‌ها آشکارتر می‌شود، که رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی را از رسیدگی منصفانه دور می‌سازد.

۱. ر.ک: تبصره ماده ۲۹ اصلاح آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات انتظامی هیأت علمی مصوب ۱۳۸۴/۱/۲۸ هیأت وزیران در خصوص رسیدگی به تخلفات هیأت علمی سایر وزارتخانه‌ها.
۲. ذیل ماده ۱۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری.

هدف این پژوهش ارائه راهکار برای نواقص موجود در فرایند رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی و صیانت از این نخبگان خواهد بود. با توجه به رفع نواقص و معایب در قانون‌گذاری (ماهوی و شکلی) در عرصه فرایند رسیدگی انتظامی به تخلفات اعضای هیئت دانشگاه‌ها و ارائه راهکارها برای رفع نواقص و ناکارآمدی‌های قوانین موجود به ضرورت و اهمیت بحث می‌افزاید. از نوآوری‌ها و دستاوردهای این پژوهش واکاوی نواقص و خلأها و ناکارآمدی‌های قوانین مربوط به حوزه رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی توسط هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر با توجه به اصول دادرسی منصفانه خواهد بود که با توجه به مصاحبه از متخصصان و اعضای هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر تخلفات اعضای هیئت علمی انجام شده است. برای رفع این خلأها و نواقص راهکارهای جدی در سایر پژوهش‌ها دیده نمی‌شود.

این پژوهش همراه با مطالعه کتابخانه‌ای، مسئله‌محور، توصیفی و تحلیلی و جزء پژوهش‌های کاربردی است که با روش پژوهش کیفی گرند تئوری و با بهره‌گیری از مصاحبه یک‌به‌یک خبرگانی که در هیئت تخلفات عضو هستند یا عضو بوده‌اند انجام شده است. در این پژوهش در جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات و مؤلفه‌های مورد نیاز از روش اسنادی (بررسی آرای صادره از هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر) و کتابخانه‌ای با استفاده از منابع علمی مدون مرتبط با موضوع پژوهش شامل کتب و مقاله‌ها انجام شده است. سپس اطلاعات و داده‌های به دست آمده از مصاحبه، کدگذاری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و ضمن ارزیابی وضعیت کنونی فرایند و نحوه رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها با توجه به قوانین و مقررات درباره این موضوع با جلب نظر و پرسش از صاحب‌نظران و اعضای سابق و کنونی هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر و خبرگان، راهکارها و الگوی مناسب ارائه می‌شود. نمونه آماری در این پژوهش، مصاحبه‌ای با طراحی سؤالات باز انجام شده که این پرسش‌ها در اختیار ۴۲ نفر از نمونه‌های آماری قرار گرفته است که با کدگذاری G1 تا G42 مشخص شده‌اند. فرایند نمونه‌گیری تا هنگامی که به اندازه مورد نظر و اشباع برسد ادامه دارد (Ghaljaie; Naderifar; Goli, 1993: 4). روایی مصاحبه با روش اعتبار صوری توسط متخصصان حوزه رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی و حقوق‌دانان تأیید و سؤالات مصاحبه بر اساس هدف پژوهش مورد سنجش قرار گرفت. پایایی پژوهش با استفاده از روش باز آزمون میزان ۸۵ درصد تعیین شد.

شایان ذکر است که درخصوص این موضوع تألیفاتی به صورت کتابخانه‌ای نگاشته شده است اما پژوهش میدانی مستقل برای آسیب‌شناسی و بیان نواقص و نیز ارائه راهکار و راهبرد برای رسیدن به نقطه مطلوب در این هیئت‌ها صورت نگرفته است. در ذیل به برخی از پژوهش‌های کتابخانه‌ای اشاره می‌شود:

۱. علایی، حسین و براتی، جعفر (۱۳۹۸)، «بررسی و نقد دادرسی اداری در هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی»، تمدن حقوقی، (۴)، ۲، ۱۳۹۸، صفحه ۹-۳۳.

۲. صادقی‌مقدم، محمدحسن و نادر میرزاده‌کوهشاهی (۱۳۹۵)، «آیین رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور»، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۳. لطفی، محمد (۱۳۹۵). «اصول دادرسی منصفانه در فرایند رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها»، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.

از جمله سؤال‌های پژوهش از قرار ذیل است: فرایند رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی چگونه ارزیابی می‌شود؟ نواقص و ناکارآمدی فرایند رسیدگی در مرجع رسیدگی تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی با توجه به قوانین و مقررات و اصول دادرسی منصفانه چگونه ارزیابی و تحلیل می‌شود؟ راهکارهای اعضای هیئت رسیدگی تخلفات و خبرگان به عنوان نظر ارائه شده برای رفع نواقص با توجه به قوانین، مقررات و اصول دادرسی منصفانه چیست؟

۱. جایگاه حقوقی مرجع اختصاصی رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی

در قانون مقررات انتظامی هیئت علمی، تعریفی از تخلفات انتظامی ارائه نشده و فقط به ذکر مصادیق آن اکتفا شده است (امامی و استوارسنگری، ۱/۱۳۹۷: ۵۲). در تعریف تخلفات اداری بر اساس ماده ۲ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۸/۸/۴ هیئت عالی نظارت بر تخلفات اداری مقرر شده است: «تخلف اداری عبارتست از ارتکاب اعمال و رفتار نادرست توسط مستخدم و عدم رعایت نظم و انضباط اداری که منحصر به موارد مذکور در قانون رسیدگی به تخلفات اداری می‌باشد و به دو دسته قصور و تقصیر تقسیم می‌شود: الف. قصور عبارتست از کوتاهی غیر عمدی در انجام وظایف اداری محوله ب - تقصیر عبارتست از نقض عمدی قوانین و مقررات مربوط». به این ترتیب در تعریف تخلفات اداری و انتظامی اعضای هیئت علمی می‌توان گفت: «تخلف انتظامی عبارتست از هر رفتاری و اعمال خلاف شرع و اخلاق عمومی اعم از فعل یا ترک فعل در راستای وظایف محوله چه به صورت عمد و چه غیر عمد از سوی عضو هیئت علمی که در قانون و مقررات مدونه برای آن مجازات تعیین شده است را تخلف انتظامی یا اداری عضو هیئت علمی گویند». رسیدگی به تخلفات انتظامی در صلاحیت سازمان قضایی و محاکم دادگستری نیست و در هر حوزه و هر سازمانی مراجع اختصاصی به منظور رسیدگی به تخلفات اعضای نهاد یا سازمان به صورت ترافیعی و به موجب قانون خواهد بود (هداوند و آقایی طوق، ۱۳۹۵: ۶۰) که اساساً مرجع قضایی قلمداد نمی‌شوند (نجابت‌خواه، افشاری و موسوی‌زاده، ۱۳۹۶: ۲۱۳). قانون‌گذار موارد صلاحیت

هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیئت‌علمی را در دو مورد معین نموده است. نخست؛ مشخص کردن صلاحیت هیئت‌ها درباره رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی، بر اساس ماده ۱ و ۴ قانون مقررات انتظامی هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات و دوم؛ بر اساس تبصره ۱ و ۲ ماده ۱۴ رسیدگی به تعیین تکلیف عضو هیئت‌علمی غیرمفید از صلاحیت هیئت‌های رسیدگی و بدوی است.

در هیئت رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیئت‌علمی یک طرف دعوی و اختلاف دولت و مقامات عمومی با امکانات دولتی و طرف دیگر عضو هیئت‌علمی است که در سطح نابرابری هم قرار دارند، لذا ضمانت‌های اجرای لازم از حقوق اعضای هیئت‌علمی برای برقراری عدالت و رعایت اصول دادرسی منصفانه با تکیه بر موازین فقه اسلامی ضروری است.

۲. سازمان، ساختار و صلاحیت هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی

بر اساس تصریح بند ۱۰ اصل ۳ قانون اساسی، ایجاد نظام اداری صحیح از وظایف دولت است. رعایت نکردن قوانین و مقررات و یا تخطی از آن‌ها از طرف مستخدمین، ایجاد مسئولیت می‌کند و برحسب مورد ممکن است موجب مسئولیت جزایی، مالی و انتظامی آن‌ها گردد (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۹۳: ۲۰۷). در رسیدگی به تخلفات اداری در نظام حقوقی کامن‌لا دادگاه‌های قضایی و اداری واحد هستند و دادگاه‌های اداری زیرمجموعه دادگاه‌های حقوقی قرار می‌گیرند (شیروی، ۱۳۸۵: ۱۵۱). اما در سیستم‌های رومی - ژرمنی مانند فرانسه که حقوق اداری ایران نیز شبیه آن است، دادگاه‌های اداری مستقل از دادگاه‌های عمومی هستند (الیوت و ورنون، ۱۳۸۳: ۱۶۰-۱۴۷). در واقع دادگاه‌های اداری وابسته به دولت بوده و یک نظام مجزا از دادگاه‌های قضایی است^۱ (شیروی، ۱۳۸۵: ۲۳۳). همین مؤلفه در بند ۲ و تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مؤید مرزبندی بین مراجع قضایی و اداری و صلاحیت آن‌ها است.

هرچند مقوله پیشگیری غیرکیفری برای دوری از تخلفات در بین کارکنان دولت در نظام اداری از جمله در بین اعضای هیئت‌علمی به نظر کارآمدتر خواهد بود، اما گاهی احتمال خطا و تخلف در بین اعضای هیئت‌علمی گریزناپذیر است. در نظام تقنینی کشور ایران برای جلوگیری از تخلفات صورت گرفته توسط اعضای هیئت‌علمی قانون‌گذار در سال ۱۳۶۴ به تصویب قانون مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور اهتمام نمود.

۱. رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۵۰۷ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۱۵ و نیز رأی وحدت رویه شماره ۷۱۳ و ۷۱۴ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مؤید این مطلب است.

تعریفی جامع و مانع از مراجع رسیدگی به تخلفات انتظامی در قانون و از سوی حقوق دانان صورت نگرفته است (گرجی ازندریانی و فتحی، ۱۳۹۴: ۳۳). دادگاه اداری یا هیئت‌های رسیدگی به تخلفات به موجب ماده ۱ قانون مارالذکر شامل هیئت رسیدگی بدوی و تجدیدنظر می‌شود. هیئت‌های رسیدگی به تخلفات مراجعی اختصاصی هستند و صلاحیت آن‌ها منحصرأ رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی است.

الف) هیئت بدوی: به موجب ماده ۲ قانون مقررات انتظامی هیئت علمی، هیئت بدوی در هر دانشگاه یا مؤسسه آموزش عالی و مؤسسه تحقیقاتی یا دانشکده مستقل تشکیل می‌شود.

ب) هیئت تجدیدنظر: به استناد ماده ۳ قانون فوق در هر یک از دانشگاه‌ها یا چند دانشگاه یا مؤسسه آموزش عالی و تحقیقاتی مشترکاً و به تشخیص وزارت علوم و وزارت بهداشت تشکیل می‌شود. سایر وزاتخانه‌ها که دارای عضو هیئت علمی و دانشگاه هستند به استناد تبصره ۱ ماده ۳ قانون مقررات انتظامی هیئت علمی، هیئت تجدیدنظر به وسیله وزیر مربوط یا بالاترین مقام دستگاه دولتی منصوب می‌شود.

ج) هیئت عالی نظارت: برای نظارت بر کار هیئت‌ها و نظارت بر حسن اجرای قانون در هیئت‌ها و نیز هماهنگی در کار هیئت‌ها رسیدگی به تخلفات، هیئت عالی نظارت بر تخلفات اداری، به ریاست سازمان اداری و استخدامی کشور تشکیل شده است. اعضای این هیئت عبارتند از یک نفر نماینده رئیس قوه قضائیه و سه نفر از بین نمایندگان وزرا و یا بالاترین مقام سازمانی مستقل دولتی به پیشنهاد ریاست سازمان اداری و استخدامی کشور و با تصویب در جلسه هیئت وزیران تشکیل می‌گردد (نکوئی، ۱۳۹۱: ۴۲۵)^۱. این سؤال پیش می‌آید که آیا هیئت عالی نظارت بر تخلفات، حق نظارت بر عملکرد هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی را دارند؟ در این باره در قانون و نیز آیین‌نامه مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور، نظارت بر هیئت‌های تخلفات پیش‌بینی نشده است. در ماده ۲۲ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۳/۲۳ «هیأت عالی نظارت بر هیئت‌های تخلفات اداری» از سوی قانون‌گذار با وظایف مشخص تشکیل آن قانونی گردید. با استناد به ماده ۲۲ قانون مورد اشاره و آیین‌نامه اجرایی این قانون، به پیشنهاد رئیس سازمان امور اداری و استخدامی و با تصویب هیئت وزیران اعضای هیئت عالی نظارت انتخاب می‌شوند. در وزارت علوم و وزارت بهداشت اداره کل هماهنگی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و انتظامی وجود دارد که از سوی وزیر وزارتخانه متبوع یک نفر

۱. ر.ک: ماده ۲۲ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۳/۲۳.

به این سمت منصوب می‌شود و به سازمان امور اداری و استخدامی معرفی می‌گردد که رابط با هیئت عالی نظارت بر تخلفات باشد. این انتصاب به موجب ماده ۳۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری با هدف ایجاد نظام هماهنگ بر کار نظارت هیئت‌ها خواهد بود.

به منظور رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی بر اساس ماده ۱ قانون مقررات انتظامی هیئت علمی، هیئت‌هایی با عنوان «هیأت رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی» تشکیل خواهد شد. بر اساس ماده ۲ قانون مقررات انتظامی هیئت علمی، هیئت بدوی در هر دانشگاه یا مؤسسه دارای سه نفر عضو اصلی^۱ و حداکثر دو نفر عضو علی‌البدل خواهد بود که از بین اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور و حتی الامکان از همان دانشگاه یا مؤسسه یا دانشکده مستقل و برای مدت دو سال به وسیله رئیس دانشگاه یا مؤسسه یا دانشکده مستقل انتخاب می‌شوند. اعضای هیئت تجدیدنظر نیز به استناد ماده ۳ قانون فوق دارای سه نفر عضو اصلی و حداکثر دو نفر عضو علی‌البدل از بین اعضای هیئت علمی مؤسسات مزبور به مدت دو سال به وسیله وزیر وزارتخانه متبوع تعیین و منصوب می‌شوند. صلاحیت این مراجع اختصاصی است و در جهت رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی اقدام می‌نمایند و فقط حق رسیدگی در چهارچوب پیش‌بینی شده در قانون را خواهند داشت. این هیئت‌ها ساختار و سازمان آن‌ها وابسته به دانشگاه‌ها و مؤسسات متبوع هستند و به طور مستقل عمل می‌کنند.

۳. رسیدگی به تخلفات هیئت رئیسه و مدیران ستادی

در باره رسیدگی به تخلفات هیئت رئیسه، مدیران ستادی و اعضای هیأت‌های رسیدگی انتظامی، در ماده ۲۹ اصلاح برخی از مواد آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات انتظامی هیئت علمی مصوب ۱۳۸۴/۱/۲۸ هیئت وزیران آمده است که تخلفات اعضای هیئت رئیسه و اعضای هیأت‌های رسیدگی انتظامی و همچنین مدیران ستادی که عضو هیئت علمی می‌باشند و اعضای هیئت عملی شاغل در وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، در هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر رسیدگی انتظامی مستقر در ستاد هر یک از وزارتخانه‌های یادشده رسیدگی می‌شود. بدین ترتیب با توجه به تبصره ماده ۲۹ آیین‌نامه فوق به تخلفات اعضای هیئت علمی سایر وزارتخانه‌ها، مشروط بر آنکه فاقد هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر رسیدگی انتظامی باشند، بنا به تشخیص وزیر علوم یا وزیر بهداشت یا نمایندگان آنان در هیئت‌های یکی از دانشگاه‌های مرکز استان

۱. براساس تبصره ۱ ماده ۲ قانون مقررات انتظامی هیأت علمی، «یک نفر از اعضاء هیأت بدوی باید از مدرسان معارف اسلامی که حداقل دارای تحصیلات فوق لیسانس یا معادل آن باشد انتخاب گردد».

مربوط رسیدگی خواهد شد.

۴. تحلیل نواقص در رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی

از آنجا که داده‌های پژوهش بدست آمده از فرایند مصاحبه می‌باشد نیازمند کدگذاری برای تحلیل می‌باشد. کدهای موردنظر در حقیقت نتیجه تجزیه و تحلیل میکروسکوپی داده‌ها هستند (استراس و کوربین، ۱۳۹۰: ۲۰).

کدگذاری در روش گراند تئوری در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام می‌شود. در اینجا نیز جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از هر سه فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است. چراکه اگر هر سه فرایند کدگذاری به صورت هم‌زمان با یکدیگر در یک پژوهش مورد استفاده قرار گیرد، روش گراند تئوری بسیار کاربردی تر خواهد بود (LaRossa, 2005: 837 – 857). در کدگذاری باز که یک فرایند تحلیلی است، از طریق آن ابتدا مفاهیم در داده‌ها کشف می‌شوند و سپس مفاهیم برای تشخیص دادن پدیده‌های مشابه با هم مقایسه شده و تحت عنوان مقوله طبقه‌بندی می‌شوند (استراس و کوربین، ۱۳۹۰: ۲۲). در این مرحله سه کد به دست آمد که به بررسی سه مرحله در آرای صادره اشاره می‌شود: ۱. مرحله تحقیقات مقدماتی و شروع به رسیدگی ۲. مرحله حین رسیدگی و صدور رأی ۳. مرحله بعد از رسیدگی.

کدگذاری محوری صورت پذیرفت که در این مرحله، پژوهشگر یکی از مقوله‌ها را به عنوان مقوله محوری انتخاب کرده و آن را تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرایند مورد پژوهش قرار داده و ارتباط سایر مقوله‌ها را با آن مشخص می‌کند (استراس و کوربین، ۱۳۹۰: ۲۳). نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در این مرحله از کدگذاری با توجه به کدگذاری باز صورت گرفته در سه بخش مجزا مورد بررسی قرار گرفت. در هر بخش با توجه به کدگذاری محوری مورد نظر از افراد چند سؤال متناسب با هدف پژوهش مطرح شد. در سؤالاتی که با جواب بله و خیر همراه بود برای عمق بخشیدن به نتیجه از جدول فراوانی و درصد فراوانی پاسخ‌ها بهره گرفته شد. کدگذاری محوری در این مرحله شامل ۱۶ مؤلفه بود که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود: ۱. نبود اصول و تضمینات مطلوب قبل از شروع رسیدگی در هیئت رسیدگی، ۲. تفهم صحیح و قانونی اتهام، ۳. ابلاغ صحیح و مطلوب اوراق به متهم، ۴. اصل برائت، ۵. حق سکوت، ۶. عدم استقلال اعضای هیئت رسیدگی به تخلفات انتظامی، ۷. عدم حضور وکیل، ۸. ضعف در مستند و مستدل بودن احکام صادره از هیئت‌ها، ۹. تخصصی نبودن فرایند رسیدگی، ۱۰. غیرحضور بودن رسیدگی، ۱۱. غیرعلنی بودن فرایند رسیدگی‌ها، ۱۲. عدم تسلط کافی اعضای هیئت رسیدگی به قوانین، ۱۳. نبود نظارت جامع، عام، فراگیر و منسجم بر کار مراجع بدوی و تجدیدنظر، ۱۴. تجدیدنظرخواهی و مهلت تجدیدنظرخواهی، ۱۵. فرجام‌خواهی یا اعاده

رسیدگی، ۱۶. حق غرامت ناشی از اشتباه اعضای هیئت.

کدگذاری انتخابی مرحله سوم و اصلی از روش گراند تئوری است. این مرحله از کدگذاری، فرایند یکپارچه کردن و بهبود بخشیدن به مقوله‌ها برای شکل‌گیری نظریه می‌باشد که بر پایه نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری به تولید نظریه پرداخته و مقوله‌هایی که نیازمند بهبود و توسعه بیشتری هستند را اصلاح می‌کند (استراس و کوربین، ۱۳۹۰: ۲۲). در این مرحله محقق برحسب فهم خود از پدیده مورد مطالعه، یا چهارچوب مدل پارادایم را به صورت روایت عرضه می‌کند و یا مدل پارادایم را به هم می‌ریزد و به صورت ترسیمی نظریه نهایی را نشان می‌دهد (دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۸۹: ۵۰). کدگذاری انتخابی مورد نظر پژوهش به صورت روایت تحت عنوان راهکار در پایان هر سؤال ارائه شده است.

۵. نواقص و ناکارآمدی در فرایند رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی

۵-۱. مرحله تحقیقات مقدماتی و شروع به رسیدگی

در مرحله تحقیقات مقدماتی و ابتدای شروع به رسیدگی نواقص و ناکارآمدی‌های در فرایند رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی وجود دارد که به تحلیل و شرح آن‌ها پرداخته می‌شود. این بخش بر اساس سؤال از خیرگان این حوزه مورد بررسی قرار گرفته است.

۵-۱-۱. نبود اصول و تضمینات مطلوب قبل از شروع رسیدگی در هیئت رسیدگی

یکی از مسائلی که بر دادرسی عادلانه تأثیرگذار است، تفکیک مقام تعقیب از تحقیق است، که این موضوع می‌تواند از استبداد قضایی [و نیز استبداد در هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری] و تمرکز قدرت توسط یک مقام جلوگیری کند و به این ترتیب حقوق متهم را بیشتر تضمین کند (علی‌پور و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۳۳).

سؤالاتی که در این خصوص مطرح شد این بود که علت نبود اصول و تضمینات مطلوب قبل از شروع رسیدگی در هیئت رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی چیست؟ راهکار و نظر سازنده خود را بیان کنید؟

برای تحلیل داده‌ها حاکی از این بود که از آنجایی که عضو هیئت علمی متهم پس از ابلاغ برای دفاع از خود مجبور به مراجعه به محل تشکیل هیئت رسیدگی به تخلفات انتظامی است و در برخی از موارد به دلیل وجود شعبه رسیدگی بدوی به تخلفات در شهرستان‌ها و شعبه تجدیدنظر در استان‌ها، این مسئله خود ناقض اصل دسترسی به این مراجع است. همچنین نبود آیین دادرسی روشن و مشخص برای رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی اصل دادرسی منصفانه و تضمینات مطلوب قبل از شروع رسیدگی به تخلفات این اعضا را زیر سؤال می‌برد و ما را از دادرسی منصفانه دور می‌سازد. مضافاً در قانون و آیین‌نامه مقررات انتظامی هیئت علمی، کلی‌گویی درباره صلاحیت

رسیدگی در هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر وجود دارد و حق انتخاب وکیل و حضوری بودن دادرسی در این قوانین و مقررات پیش‌بینی نشده است. این مهم با اصول دادرسی منصفانه فاصله بسیار دارد. با توجه به مبانی نظری و ماده ۲ قانون مقررات انتظامی اعضای هیئت علمی که باید هیئت تخلفات در محل خدمت عضو هیئت علمی تشکیل شود، دو عامل اثرگذار شامل نبود شعبه بدوی در برخی از شهرستان‌ها به خصوص دانشگاه‌های پیام نور و دانشگاه‌های غیرمادر، شعبه تجدیدنظر در استان و نبود آیین دادرسی روشن مورد آزمون واقع شد که با توجه به یافته‌های پژوهش میزان فراوانی نبود شعبه بدوی در شهرستان‌ها ۳۰ درصد فراوانی ۷۱/۴۲ است و میزان فراوانی نبود آیین دادرسی روشن ۳۵ درصد فراوانی ۸۰/۹۵ است.

راهکار: بهتر است با اصلاح قانون و آیین‌نامه اجرایی آن، چند شهرستان با یکدیگر شعبه بدوی تشکیل دهند. همچنین در مرکز استان‌ها شعبه تجدیدنظر و در تهران شعبه تشخیص تشکیل شود. همچنین نیاز است که آیین دادرسی و اصول تضمینات دادرسی در این باره تدوین و به تصویب مراجع ذیصلاح برسد.

۲-۱-۵. تفهیم صحیح و قانونی اتهام

حق اطلاع فوری و دقیق از دلایل اتهام از این جهت دارای اهمیت است که فرد مورد اتهام، از همان ابتدا برای دفاع آمادگی پیدا کند (هاشمی، ۱۴۰۰: ۳۰۴ به نقل از فلاح زاده و کامرانی، ۱۳۹۸: ۲۷۳) چراکه متهم بر اساس دفاعیاتش می‌تواند تبرئه شود (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۹۹). سؤالاتی که در این خصوص مطرح شد این بود که آیا تفهیم اتهام صحیح صورت می‌پذیرد؟ اگر پاسخ شما خیر است، راهکار و نظر سازنده خود را با توجه به قوانین و مقررات خود را بیان کنید؟

بر اساس یافته‌های پژوهش ۳۰ نفر که حدود ۷۱/۴۲ درصد است با استناد به ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی موافق تفهیم اتهام صحیح بودند و ۱۲ نفر که حدود ۲۸/۵۷ درصد می‌شود، اعتقاد داشتند که تفهیم اتهام به صورت صحیح انجام نمی‌گیرد. این گروه معتقد بودند این امر در قانون و آیین‌نامه اجرایی مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور، پیش‌بینی نشده است و لذا بر اساس ماده ۲۱ و ۱۴ آیین‌نامه مورد اشاره از طریق ارسال نامه مکتوب به دبیرخانه محل خدمت (اقامتگاه قانونی) اتهامات به متهم ابلاغ می‌شود و وی باید ظرف ۱۰ روز دفاعیات خود را مکتوب به هیئت‌ها ارائه نماید.

راهکار: اصلاح قانون و آیین‌نامه اجرایی مقررات انتظامی هیئت علمی، و پیش‌بینی حق دفاع از متهم و تفهیم اتهام به متهم در قانون اصلاحی.

۳-۱-۵. ابلاغ صحیح و مطلوب اوراق به متهم

سؤالی که در این خصوص می‌توان مطرح کرد این است که آیا ابلاغ اوراق (جهت تعیین جلسه رسیدگی؛ ختم رسیدگی، صدور رأی) به متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی و بعد از صدور رأی به‌نحو مطلوب صورت می‌پذیرد؟ اگر پاسخ شما خیر است راهکار و نظر سازنده خود را با توجه به قوانین و مقررات خود را بیان کنید؟

بر اساس یافته‌های پژوهش در بین کسانی که نحوه ابلاغ اوراق را مطلوب نمی‌دانستند حدود ۳۰ درصد بودند که به مواردی اشاره شد: عدم تعیین مهلت برای اطلاع از اتهام، نحوه تعیین جلسه رسیدگی و عدم اطلاع متهم از ساعت و روز جلسه رسیدگی ختم رسیدگی و همچنین نحوه ابلاغ حضور و ابلاغ رأی موجب می‌شود که متهم نتواند دفاعیات خود را به موقع به هیئت ارائه نماید و موجب تضییع حق او و عدم دفاع به موقع متهم می‌شود. اما نحوه ابلاغ اخطاریه‌ها و احکام در ماده ۲۱ قانون آیین‌نامه مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور، بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۸۷ پیش‌بینی شده است. ولی در عمل و بر اساس تبصره ماده ۴۱ ابلاغ از طریق کارگزینی محل خدمت عضو هیئت علمی متهم است و در برخی موارد شاهد هستیم که ابلاغ به‌صورت صحیح و به موقع از سوی کارگزینی به عضو هیئت علمی متهم صورت نگرفته است.

راهکار: نحوه صحیح ابلاغ در قانون پیش‌بینی شود و ابلاغ از طریق کارگزینی در قانون حذف شود و ابلاغ در محل سکونت و ابلاغ به‌صورت الکترونیکی صورت گیرد.

۴-۱-۵. اصل برائت

اصل عملی معمولاً [مانند برائت] به نفع مدعی علیه وجود دارد، لذا او مکلف به پاسخ به دعوا شناخته شده است (ر.ک: آشتیانی، بی تا: ۱۵۰؛ حلی، ۴/۱۴۱۵: ۸۶؛ الانصاری، ۱/۱۴۱۰: ۵۴۹؛ خوانساری، ۶/۱۴۰۵: ۳۹؛ طوسی، ۸/۱۳۵۱: ۱۶۰). اصل برائت در همه نظام‌های حقوقی به‌عنوان یک رکن اساسی در امر دادرسی اعمال می‌گردد و در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای نیز انعکاس صریح و قاطعانه پیدا کرده است (محمدی‌مغانجویی، ۱۳۸۲: ۱۱۹). بند اول از ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند دوم ماده ۱۴ میثاق بر این حق تصریح و تأکید دارند (فلاح زاده و کامرانی، ۱۳۹۸: ۲۷۱). همچنین در فقه اسلامی مادامی که بینة یا اقرار نباشد متهم تبرئه می‌شود (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۱۰۷) و مجازات نمی‌شود (حرعاملی، ۱۸/۱۴۱۴: باب ۱۶).

سؤال این است که آیا اصل برائت در قانون در حق متهم پیش‌بینی شده است؟ اگر پاسخ شما خیر است، راهکار و نظر سازنده خود را با توجه به قوانین و مقررات خود را بیان کنید؟

همگی افراد مصاحبه شونده معتقد بودند اصل برائت در قانون و آیین نامه اجرایی مقررات انتظامی هیئت علمی، پیش‌بینی نشده است. عده‌ای راه حل را استناد به اصل ۳۷ قانون اساسی دانستند و تعدادی نیز اذعان داشتند که از روح قانون و آیین نامه اجرایی مقررات انتظامی هیئت علمی، می‌توان اصل برائت را استنباط کرد. زیرا در آیین نامه مورد اشاره جمع‌آوری ادله بر عهده هیئت قرار داده شده است. راهکار: از آنجایی که متهم تکلیفی بر بی‌گناهی خود ندارد لازم است قانون‌گذار در اصلاح قانون این اصل را اضافه نماید.

۲-۵. مرحله حین رسیدگی و صدور رأی

۱-۲-۵. حق سکوت

حق سکوت مستلزم عدم اجبار متهم به شهادت یا اقرار به گناه است؛ زیرا متهم در اعلام حقایق به مقامات قضایی هیچ وظیفه‌ای ندارد؛ بلکه دادستان خود ملزم است برای اثبات اتهام وارده، ادله کافی جمع‌آوری کند و نباید سکوت را گزینه‌ای علیه متهم و در اثبات مجرمیت او دانست (صابر، ۱۳۸۸: ۵۵). لذا سکوت متهم دال بر بی‌گناهی او فرض می‌شود.

باید سؤال شود که آیا در فرایند رسیدگی به متهم حق بر سکوت داده می‌شود و به متهم القای اتهام نمی‌شود؟ اگر پاسخ شما خیر است، راهکار و نظر سازنده خود را با توجه به قوانین و مقررات خود را بیان کنید؟

پاسخ‌دهندگان معتقد بودند هرچند حق سکوت در قانون و آیین نامه اجرایی مقررات انتظامی هیئت علمی، پیش‌بینی و به‌صراحت ذکر نشده است. اما در هنگام رسیدگی در هیئت هیچ‌گونه القای اتهام به متهم وجود ندارد و فقط به متهم طی ابلاغی اتهام وارده اطلاع‌رسانی می‌شود. این حق تلحویحاً در اصل ۳۸ قانون اساسی پیش‌بینی شده است؛ لذا هیئت‌ها نیز ملزم به اطاعت از قانون اساسی هستند هرچند در سایر قوانین این مهم پیش‌بینی نشده باشد.

راهکار: حق سکوت در قانون پیش‌بینی و عواقب آن نیز به متهم تذکر داده شود.

۲-۲-۵. عدم استقلال اعضای هیئت رسیدگی به تخلفات انتظامی

استقلال قضایی بخش لایتنج‌زای نظریه تقویک قوا محسوب می‌شود (صحراپیان، ۱۳۸۲: ۵). برخی سلامت دادرسی را در گرو بی‌طرفی قضات و حفظ بی‌طرفی نیز مرهون استقلال و به تبع آن بالا بردن کیفیت عملکرد می‌دانند (امیری و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۸). لذا قاضی برای اینکه در کار خود توفیق یابد باید بی‌طرف باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۷۲) و قاضی باید استقلال رأی خود را حفظ کند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ص ۱۷۵). از مقایسه استقلال و بی‌طرفی می‌توان نتیجه گرفت که استقلال خود پیش‌شرط بی‌طرفی است. ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۴ میثاق

بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر تأمین این حق صراحت دارند (فلاح زاده و کامرانی، ۱۳۹۸: ۲۷۰) و همچنین در سیستم قضایی اسلام (زمان زاده بهبهانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۷۱) و کلام امام علی (ع) مورد تأکید است (نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۹۱: ۲۶).

بر این اساس از مصاحبه شوندگان این سؤال مطرح شد که آیا به استقلال اعضای هیئت رسیدگی به تخلفات انتظامی معتقدید؟ آیا قانون‌گذار سازوکاری را برای حفظ این استقلال پیش‌بینی نموده است؟ اگر پاسخ شما خیر است، راهکار و نظر سازنده خود را با توجه به قوانین و مقررات خود را بیان کنید؟

موافقان استقلال و بی‌طرفی اعضای هیئت رسیدگی اذعان دارند که سازوکاری در قانون و آیین‌نامه اجرایی از سوی قانون‌گذار پیش‌بینی نشده است.

بر اساس یافته‌های پژوهش مخالفان که ۳۳ درصد بودند نیز معتقدند که اعضای هیئت استقلال تام و کافی ندارند و گاهی از سوی مقامات سیاسی و رؤسای دانشگاه‌ها اعمال نفوذ می‌شود. همچنین تشکیل جلسات هیئت و نیز نیروی انسانی و بودجه آن وابسته به دانشگاه است و اعضای هیئت بدوی از سوی رئیس دانشگاه و تجدیدنظر از سوی وزیر انتخاب می‌شوند که این ناقض استقلال اعضای هیئت رسیدگی به تخلفات است. باید افزود که قانون‌گذار سازوکاری در قانون و آیین‌نامه اجرایی آن برای استقلال و امنیت شغلی اعضای هیئت رسیدگی به تخلفات پیش‌بینی نکرده است و در این خصوص قانون داری نقص و خلأ است.

راهکار: اصلاح قانون توسط مجلس به صورت طرح از سوی نمایندگان مجلس یا تقدیم لایحه از سوی وزارتین به مجلس برای اصلاح قانون و در قانون به صورتی پیش‌بینی شود که انتخاب اعضای هیئت بدوی و تجدیدنظر با نهادی مستقل و بی‌طرف باشد. استقلال به معنای عدم تابعیت و عدم تأثیرپذیری مرجع رسیدگی از فشارها و عوامل خارج از آن و افراد قدرتمند است که باید در قانون مورد اشاره گنجانده شود.

۳-۲-۵. عدم حضو وکیل

ناتوانی در دفاع از خود یکی از مؤلفه‌های سوگیری دادرسی به‌سوی غیر منصفانه بودن است. ماده ۷ از اصول اساسی، راجع به نقش وکلا نیز دولت‌ها را به تضمین این امر که همه افراد دستگیر یا بازداشت شده، ظرف ۴۸ ساعت از دستگیری یا بازداشت خود، به وکیل دسترسی داشته باشند، متعهد می‌داند (فلاح زاده و کامرانی، ۱۳۹۸: ۲۷۳). فقهای اسلامی وکالت در امور قابل‌نیابت را جایز دانسته‌اند (ابن رشد، ۱۴۱۵: ۲۴۴؛ بهوتی، ۱۴۱۸: ۵۴۲؛ سرخسی، ۱۴۰۶: ۸۷؛ ابن ادریس، ۱۴۱۱: ۸۹؛ جبعی عاملی، ۱۳۶۹: ۹۷؛ نجفی، بی‌تا/۴۰: ۳۹۲).

سؤال محوری این است که به نظر شما عدم حضور وکیل نقص در فرایند رسیدگی و نقص اصول دادرسی منصفانه است؟ اگر پاسخ شما خیر است، راهکار و نظر سازنده خود را با توجه به قوانین و مقررات خود را بیان کنید؟

تعدادی از مصاحبه شونده‌گان که بر اساس یافته‌های پژوهش ۵۲/۳۸ درصد بودند عدم حضور وکیل را نقص در فرایند رسیدگی و نقص اصول دادرسی منصفانه دانستند. ایشان بیان داشتند که حق انتخاب و داشتن وکیل از اصول دادرسی منصفانه بر اساس قانون اساسی است و یکی از تصمیمات دفاعی متهم خواهد بود. در قانون و آیین‌نامه اجرایی مقررات انتظامی هیئت علمی، این اصل پیش‌بینی نشده است اما با توجه به صراحت اصل ۳۵ قانون اساسی و ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به این مهم اشاره شده است. در مقابل عده‌ای که ۴۷/۶۱ درصد بودند معتقد بودند که فقط اصول دادرسی منصفانه نیست چراکه فرایند رسیدگی در هیئت‌ها بسیار تخصصی نیست و لذا نیاز به حضور وکیل نمی‌باشد.

راهکار: در قانون و آیین‌نامه اجرایی مقررات انتظامی هیئت علمی، حق تعیین و انتخاب اختیاری وکیل برای عضو هیئت علمی متخلف یا متهم پیش‌بینی شود. هرچند این حق از قوانین دیگر قابل استنتاج است از جمله اصل ۳۵ قانون اساسی و ماده واحده قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام لذا هیئت‌ها مکلف به پذیرش وکیل می‌باشند.

۴-۲-۵. ضعف در مستند و مستدل بودن احکام صادره از هیئت‌ها

بر اساس اصول دادرسی می‌توان مطرح کرد که آیا در احکام صادره از هیئت‌ها ضعف در مستند و مستدل بودن وجود دارد؟ اگر پاسخ شما خیر است، راهکار و نظر سازنده خود را با توجه به قوانین و مقررات خود را بیان کنید؟

موافقان ضعف در مستند و مستدل بودن که حدود ۳۰/۹۵ درصد هستند بیان داشتند که در برخی از موارد ضعف در مستند و مستدل بودن آرای صادره وجود دارد، چراکه اعضای هیئت‌ها چندان آشنایی به مسائل حقوقی و دادرسی منصفانه ندارند و در برخی از موارد استناد به قوانین و مقررات یا عدم استناد آن‌ها به قوانین، اعضای هیئت را با مشکل عدم مستدل و مستند بودن احکام‌شان مواجه می‌کند. اما مخالفان که ۶۹/۰۴ درصد بودند عقیده داشتند که اعضای هیئت آرای خود را مستند به قوانین و مقررات مدونه صادر می‌کنند. زیرا تشخیص تخلف و انطباق آن با قانون به‌عده هیئت رسیدگی کننده است.

راهکار: اصلاح قوانین و پیش‌بینی قانون بر اینکه الزاماً یک حقوق‌دان نیز عضو هیئت‌ها باشد و نیز آموزش لازم به اعضای هیئت در سرتاسر دانشگاه‌ها و مؤسسات برابر قانون الزامی باشد.

۵-۲-۵. تخصصی نبودن فرایند رسیدگی

سؤال محوری این است که آیا به تخصصی نبودن فرایند رسیدگی و نبود آیین دادرسی مناسب در هیئت تخلفات انتظامی معتقدید؟ اگر پاسخ شما خیر است، راهکار و نظر سازنده خود را با توجه به قوانین و مقررات خود را بیان کنید؟

مخالفان تخصصی نبودن فرایند رسیدگی که حدود ۶۴/۲۸ درصد بودند بیان داشتند که کار و رسیدگی هیئت‌ها و تمام اقدامات هیئت‌ها بر اساس قانون و آیین‌نامه صورت می‌پذیرد اما بودن آیین دادرسی شفاف لازم است. و موافقانی که فرایند رسیدگی را تخصصی نمی‌دانستند علت را کافی نبودن آشنایی اعضای هیئت‌ها به مبانی حقوقی و اصول دادرسی و نبود آموزش لازم در این باره بیان کردند و همچنین معتقد بودند در این خصوص آیین دادرسی مناسبی وجود ندارد و اصول دادرسی منصفانه در موارد بسیاری رعایت نمی‌شود.

راهکار: قانون اصلاح شود که یک عضو حقوق‌دان در هیئت‌ها باشد و نیز آیین دادرسی مستقلی برای رسیدگی در مرحله مقدماتی، حین رسیدگی و نحوه صدور رأی هر مرحله بعد از رسیدگی و نحوه تجد نظر و فرجام خواهی پیش‌بینی شود.

۵-۲-۶. غیر حضوری بودن رسیدگی

حق دفاع از اتهامات به طور برابر از حقوق متهم است (نجفی، بی تا/۴۰: ۷۳). سؤال محوری که بر اساس اصول دادرسی منصفانه به ذهن آمد این است که به نظر شما غیر حضوری بودن فرایند رسیدگی و عدم دفاع متهم در جلسه رسیدگی موجب صدور رأی غیر مستدل خواهد شد؟ اگر پاسخ شما بله است، راهکار و نظر سازنده خود را با توجه به قوانین و مقررات خود را بیان کنید؟

موافقان حضوری بودن رسیدگی که ۶۱/۹۰ درصد بودند معتقدند که عدم حضور متهم در برخی از موارد حق دفاع را از او گرفته و ناقض حقوق دفاعی او است. حتی در برخی از موارد با مطالعه اوراق پرونده اعضا متوجه مستندات و دفاعیات متهم نمی‌شود و ممکن است حق متهم تضییع شود. زیرا هیئت‌ها متهم را برای دفاع بعضاً احضار نمی‌کنند و این با اصول دادرسی منصفانه مغایر است. اما مخالفان بیان داشتند که غیر حضوری بودن جلسه رسیدگی حقی را از متهم تضییع نمی‌کند و عدم دفاع متهم موجب صدور رأی غیر مستدل نمی‌شود. چون قبل از رسیدگی متهم می‌تواند دفاعیات خود را به صورت مکتوب و تبادل لوایح به موجب ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات انتظامی هیئت علمی، تحویل هیئت نماید. همچنین بر اساس ماده ۱۶ آیین‌نامه مارالذکر اگر نیاز به حضور متهم باشد به او ابلاغ می‌شود که در تاریخ تعیین شده برای شرکت در رسیدگی و ارائه دفاعیات حضور یابد. بعد از دفاعیات یا قرائت گزارش محقق لایحه دفاعیه، هیئت مبادرت به صدور رأی می‌کند.

راهکار: اصلاح قانون و آیین‌نامه مقررات انتظامی هیئت علمی و حضوری شدن جلسه رسیدگی و پیش‌بینی حق دفاع به صورت حضوری در قانون برای متهم، زیرا اعضای هیئت علمی قشر فرهیخته جامعه هستند و باید شئون آن‌ها حفظ شود. بنابراین اگر متهم به صورت حضوری دفاعیات خود را به صورت شفاهی و کتبی و نیز ترافعی به هیئت ارائه دهد، دیگر حقی از او تضییع نمی‌شود.

۷-۲-۵. غیرعلنی بودن فرایند رسیدگی

از اصول دادرسی منصفانه این است که رسیدگی به صورت علنی انجام شود (نهج البلاغه، نامه ۵۳) تا همگان بتوانند حضور داشته و از رسیدگی مطلع شوند. علنی بودن محاکم از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی در اصل چهارم قانون اساسی نیز به آن اشاره شده است (محمدعلی‌زاده اشکلک و رشیدی، ۱۳۹۹: ۱۵۶) همچنین در قضای اسلامی بر این اصل تأکید شده است (فضائلی، ۱۳۹۴: ۱۶۸) و مورد استنباط از کلام برخی از فقها است (حلی، ۱۴۱۵/۴: ۸۷۵). سؤال محوری این است که به نظر شما غیرعلنی بودن بودن فرایند رسیدگی و عدم دفاع متهم در جلسه رسیدگی موجب صدور رأی غیرمستدل و تضییع حقوق عضو خواهد شد؟ اگر پاسخ شما خیر است، راهکار و نظر سازنده خود را با توجه به قوانین و مقررات خود را بیان کنید؟

بر اساس یافته‌های پژوهش موافقان غیرعلنی بودن رسیدگی که ۸۰/۹۵ درصد بودند معتقدند علنی بودن رسیدگی، هیچ تأثیری بر فرایند رسیدگی ندارد، زیرا هیئت یک مرجع تخصصی است و لزومی ندارد که عموم مردم از فرایند رسیدگی مطلع شوند و این تخلف مرتبط به نظم عمومی نیست و جنبه عمومی ندارد. اما مخالفان بیان داشتند که غیرعلنی بودن رسیدگی ممکن است موجب تضییع حقوق متهم شود. زیرا بر اساس قانون اساسی اصل علنی بودن رسیدگی است ولی بر اساس ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی رسیدگی غیرعلنی می‌باشد و این با اصول دادرسی منصفانه مغایر است.

راهکار: قانون‌گذار با اصلاح قانون حق دادرسی علنی را اعلام نماید تا با اصول دادرسی منصفانه مغایر نباشد و فقط اعضای هیئت علمی و کارکنان دانشگاه و یا مؤسسه حق حضور داشته باشند، مگر در مواردی که اتهام باید محرمانه بررسی شود که در این صورت رسیدگی غیرعلنی باشد.

۸-۲-۵. عدم تسلط کافی اعضای هیئت رسیدگی به قوانین

در فقه امامیه بر اساس قاعده قبح عقاب بلا بیان، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها توجیه می‌گردد (محقق داماد، ۱۳۹۲: ۱۳). لذا اجرای یکسان قوانین مورد توصیه و تأکید در قضای اسلامی است (حر عاملی، ۱۳۸۷/۱۸: ۱۳۸۸). حال سؤالات محوری این است که از دیدگاه شما اعضای هیئت به مبانی حقوقی و قوانین مدونه و اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی تسلط کافی دارند؟ اگر پاسخ شما خیر است، راهکار و نظر سازنده خود را با توجه

به قوانین و مقررات خود را بیان کنید؟

یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان داشت که بعد از ابلاغ به اعضای هیئت و منصوب شدنم، قانون و آیین‌نامه اجرایی مقررات انتظامی هیئت علمی، را مطالعه نمودم تا تسلط کافی بر قوانین و مقررات پیدا نمایم. اما برخی از اعضای هیئت‌ها که حدود ۴۰/۴۷ درصد بودند، اصلاً با اصول دادرسی منصفانه آشنایی و آگاهی کافی نداشتند و تعدادی نیز معتقد بودند که برخی از اعضای هیئت‌ها حتی یک‌بار قانون و آیین‌نامه اجرایی مقررات انتظامی هیئت علمی، مطالعه نکرده‌اند و اصلاً به اصول دادرسی منصفانه آگاهی ندارند.

راهکار: قانون و آیین‌نامه اجرایی مقررات انتظامی هیئت علمی، اصلاح شود و یک عضو حقوق‌دان با تسلط کافی عضو هیئت بدوی و تجدیدنظر باشد و آموزش‌های لازم در این‌باره در قانون پیش‌بینی شود. همچنین مدت زمان و نحوه انشای رأی توسط اعضا در قانون اصلاحی قید شود.

۳-۵. مرحله بعد از رسیدگی

۱-۳-۵. نبود نظارت جامع، عام، فراگیر و منسجم بر کار هیئت بدوی و تجدیدنظر

اعمال نظارت بر عملکرد قاضی هیچ منافاتی با حفظ استقلال قاضی ندارد بلکه برای دستیابی به عدالت هدف قضای اسلامی است (کلینی، ۱۳۱۴/۷: ۴۰۷؛ محمدی ری شهری، بی تا/۴: ۲۵۶). با وجود این آیا به نبود نظارت جامع و منسجم در هیئت رسیدگی انتظامی بر تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی معتقدید؟ اگر پاسخ شما خیر است، راهکار و نظر سازنده خود را با توجه به قوانین و مقررات خود را بیان کنید؟

مخالفان نبود نظارت بر کار هیئت رسیدگی که حدود ۳۸/۰۹ درصد هستند، دلیل مخالفت خود را این‌گونه بیان کردند: اگر اعضای هیئت، آرای غیرمستدل صادر نمایند به موجب ماده ۳۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری باهدف ایجاد نظام هماهنگ بر کار نظارت هیئت‌ها، یک هیئت هماهنگی نظارت در وزارتین با حکم وزیر منصوب می‌شوند که بر کار هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر نظارت می‌کند همچنین هیئت عالی نظارت بر کار هیئت‌ها از طریق هیئت هماهنگی در وزارت بر کار و نحوه صدور آرای هیئت‌ها نظارت دارد. علاوه بر این بر اساس ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات انتظامی هیئت علمی، هر شش ماه یک‌بار هیئت بدوی و تجدیدنظر باید به وزارتخانه متبوع کتباً گزارش فعالیت تسلیم نماید. اما موافقان نبود نظارت جامع معتقد بودند که قانون‌گذار در قانون و آیین‌نامه مقررات انتظامی هیئت علمی، اجرای هیچ‌گونه نظارت منسجم را بر مراجعه رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی پیش‌بینی نکرده است.

راهکار: پیش‌بینی اصلاح قانون و نحوه انتخاب اعضای هیئت نظارت بر کار و نحوه صدور رأی

هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر، تا در برخی موارد هیئت نظارت بتواند آرا و تصمیمات هیئت را باطل و در صورت تشخیص سهل‌انگاری عمدی و اثبات تقصیر، هیئت‌های متخلف را منحل نماید و خود هیئت نظارت رأی مقتضی صادر نماید. همچنین هیئت نظارت در قانون، بازرسان و ناظرانی را برای نظارت بر کار هیئت‌ها و نحوه انتخاب آن‌ها پیش‌بینی نماید. مضافاً برای نظارت عام، فراگیر و منسجم‌تر و عدم اطاله دادرسی در قانون پیش‌بینی شود که شعباتی از دیوان عدالت اداری بر آرای هیئت‌ها نظارت شکلی و ماهوی داشته باشد.

۲-۳-۵. تجدیدنظرخواهی و مهلت تجدیدنظرخواهی

امام علی (ع) حق استیناف را دادرسی محفوظ دانسته است (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۱: ۳۰) چراکه احتمال خطای قاضی وجود دارد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۸: ۱۰۷؛ طوسی، ۱۳۵۱/۸ و ۱۰۱). می‌توان مطرح کرد که از دید شما حق تجدیدنظرخواهی و مهلت تجدیدنظرخواهی بعد از صدور رأی بدوی مناسب است؟ اگر پاسخ شما خیر است، راهکار و نظر سازنده خود را با توجه به قوانین و مقررات خود را بیان کنید؟

کلیه مصاحبه‌شوندگان بیان داشتند که حق تجدیدنظر و مهلت تجدیدنظر مناسب است، زیرا این حق بر اساس ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی مقررات انتظامی هیئت‌علمی، پیش‌بینی شده است و آرای صادره از هیئت بدوی برای افراد داخل کشور یک‌ماه و برای افراد خارج از کشور دو ماه تعیین شده است. بنابراین در این خصوص نقض و خلاء وجود ندارد.

۳-۳-۵. فرجام‌خواهی یا اعاده رسیدگی

سؤال محوری که باید بیان کرد این است که آیا عدم پیش‌بینی قانون در زمینه حق فرجام‌خواهی یا اعاده رسیدگی موجب تضییع حقوق متهم خواهد شد؟

مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که حق فرجام‌خواهی و اعاده رسیدگی قانون و آیین‌نامه اجرایی مقررات انتظامی هیئت‌علمی، پیش‌بینی نشده است. اما به نظر می‌رسد با توجه به بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، آرای تخلفات اعضای هیئت‌علمی بعد از قطعیت قابل فرجام‌خواهی در دیوان عدالت اداری است^۱ (رأی وحدت‌رویه شماره ۲۵۲ مورخ ۱۳۸۰/۸/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ ر.ک: مولایی، ۱۳۹۴: ۶۰). البته ممکن است شخصی از این قانون مطلع نباشد و به موقعیت شغلی او لطمه وارد می‌شود و در برخی

۱. وظیفه دیوان در این قسمت از باب نظارت قضایی عالی بر مراجع اختصاصی اداری است (طبق رأی وحدت‌رویه شماره ۴۸۳ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری).

از موارد بی‌گناه محکوم می‌گردد.

راهکار: در قانون و آیین‌نامه اجرایی مقررات انتظامی هیئت علمی، این حق پیش‌بینی شود تا موجب تضییع حقوق عضو هیئت علمی متخلف یا متهم نشود.

۴-۳-۵. حق غرامت ناشی از اشتباه هیئت

حق جبران خسارت یکی از اصول کلی حقوق به شمار می‌رود. بنا بر مقتضای این اصل، هر کس به سبب عمل دیگری، متحمل خسارت شود، حق دارد جبران آن را مطالبه کند (فضائلی و فلسفی، ۱۳۹۷: ۴۰۴). در نظام قضایی اسلام اصولاً علم به قانون از شرایط مسئولیت است (فضائلی، ۱۳۹۴: ۱۷۲). باید مطرح کرد که آیا در صورت اشتباه اعضای هیئت رسیدگی‌کننده حق غرامت ناشی از اشتباه هیئت در قوانین پیش‌بینی شده است؟ آیا شما از این مقوله مطلعید؟ اگر پاسخ شما خیر است، راهکار و نظرسازنده خود را با توجه به قوانین و مقررات خود را بیان کنید؟

عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان اطلاعی در این خصوص نداشتند و تعدادی نیز بیان کردند که این حق در قانون و آیین‌نامه اجرایی مقررات انتظامی هیئت علمی، پیش‌بینی نشده است. اما بر اساس اصل ۱۷۱ در محاکم قضایی در صورت اشتباه قضات، و اثبات تقصیر، او مکلف به پرداخت غرامت می‌شود که موافقان پیش‌بینی پرداخت حق غرامت ۹۰/۴۷ درصد هستند. به نظر تعمیم این اصل به اعضای هیئت تخلفات انتظامی بلامانع است.

راهکار: جا دارد در صورتی که اعضای هیئت به صورت غیرعمد عضو هیئت علمی را بی‌گناه محکوم نمایند و از این جهت به حقوق او لطمه و غرامتی وارد آید، قانون‌گذار حق غرامت را در صورت غیرعمد بودن و خطای غیرعمد هیئت‌ها معرفی نماید تا به عضو هیئت علمی غرامت پرداخت شود.

نتیجه

اعضای هیئت علمی به‌عنوان مروجین و تولیدکنندگان علم در جامعه از خطا و اشتباه بری نبوده و نخواهند بود. هدف این پژوهش ارائه راهکارها برای نواقص موجود در فرایند رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی با توجه به نقش و جایگاه اعضای هیئت علمی و صیانت از این نخبگان خواهد بود. با توجه به رفع نواقص و معایب در قانون‌گذاری (ماهوی و شکلی) در عرصه فرایند رسیدگی انتظامی به تخلفات اعضای هیئت دانشگاه‌ها و ارائه راهکارها برای رفع نواقص و ناکارآمدی‌های قوانین موجود به ضرورت و اهمیت بحث می‌افزاید. ابهامات و نواقصی با توجه به اصول دادرسی منصفانه در حوزه مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در قانون و آیین‌نامه مقررات انتظامی هیئت علمی وجود دارد. از چالش‌های آن، رجوع به مرجع ذی‌صلاح برای

رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی در هنگام فرجام خواهی، غیرعلنی بودن، غیرحضورى بودن فرایند رسیدگی، تخصصی نبودن فرایند رسیدگی، نبود نظارت کافی بر این هیئت ها و غیره است. بنابراین این پژوهش در جهت رفع این چالش و ابهام و ارائه راهکار و راهبرد است. یافته این پژوهش این است که مقررات این حوزه دارای خلأها و نواقصی است که در برخی از موارد باعث تضییع حقوق عضو هیئت علمی در فرایند رسیدگی می گردد. وجود هیئت رسیدگی کننده به تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی باعث پایمال نشدن حقوق طرفین درگیر در مسئله خواهد بود، البته در صورتی که رسیدگی در این هیئت عادلانه و بر اساس رعایت انصاف باشد.

در این پژوهش با بهره گیری از نظرات متخصصان و خبرگان در این حوزه سعی شد که خلأهای که می تواند در مراحل رسیدگی به تخلفات متهمین وجود دارد از دید قانونی مورد بازبینی قرار گیرد. از یافته های پژوهش می توان نتیجه گرفت که در موادی از آیین نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی ضعف و خلأ وجود دارد که باعث غیرعادلانه شدن روند رسیدگی خواهد بود. مواردی همچون غیرعلنی بودن فرایند رسیدگی، عدم حضور وکیل، عدم استقلال اعضای هیئت تخلفات انتظامی در برخی از هیئت ها، عدم تسلط کافی اعضای هیئت به قوانین و... از دلایل غیرعادلانه بودن روند رسیدگی خواهد بود. در نتیجه برای رفع این نواقص نیاز است که بازنگری در قانون و آیین نامه اجرایی رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی صورت پذیرد تا بتوان با تقویت قوانین و مقررات گامی درست جهت اجرای صحیح قانون، احقاق حق و رعایت شأن علمی اعضای هیئت علمی برداشته شود.

از محدودیت های پژوهش می توان به پاسخ گو نبودن برخی از مصاحبه شوندگان اشاره نمود. در برخی پاسخ های افراد حاضر در نمونه نیز می توان عدم بی طرفی نسبت به موضوع مورد بحث را مشاهده نمود. پیشنهاد این پژوهش بررسی دقیق تر قوانین توسط مراجع ذیصلاح جهت اصلاح قانون، استفاده از تجربیات و نیروی متخصص حقوق دان در هیئت های رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی و آموزش و فرهنگ سازی در زمینه قوانین و مقررات در بین اعضای هیئت علمی با بهره گیری از کارگاه های آموزشی می باشد.

منابع

فارسی

- استراس، آنسلم و جولیت. ام کوربین (۱۳۹۰)، مدل روش تحقیق کیفی نظریه‌مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، چاپ سوم، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- البوت، کاترین و کاترین ورنون (۱۳۸۳)، نظام حقوقی فرانسه، مترجم: صفر بیگزاده، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- امامی، محمد و کورش استوارسنگری (۱۳۹۷)، حقوق‌اداری، سازمان‌های اداری کشور و استخدام، جلد اول، چاپ شانزدهم، تهران: نشر میزان.
- امیری، علی، جواد طهماسبی و بتول پاکزاد (۱۴۰۰)، «کاربرد مدیریت ارجاع در تضمین دادرسی بی طرفانه کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۵ (۱۱۴)، ۲۷-۵۲.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، آداب قضا در اسلام، قم: اسراء.
- دانایی فرد، حسن و آذر اسلامی (۱۳۸۹)، کاربرد نظریه داده بنیاد در عمل؛ ساخت نظریه بی تفاوتی سازمانی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۳)، «بازاندیشی دادرسی دادگرنه در پرتو اصل هم ترازوی حق‌های بزه‌دیده و متهم»، پژوهش حقوق کیفری، ۲ (۷)، صفحه ۱۳۱-۱۴۸.
- زمانزاده بهبهانی، مهتری، محسن رهامی و مرتضی ناجی زواره (۱۳۹۷)، «واکاوی جایگاه اصول دادرسی عادلانه در فقه امامیه»، پژوهش نامه حقوق اسلامی، ۱۹ (۲)، ۴۶۷-۴۹۴.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۵)، حقوق تطبیقی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- صابر، محمود (۱۳۸۸)، «معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۱۳.
- صادقی مقدم، محمدحسن و نادر میرزاده کوهشاهی (۱۳۹۷)، آیین رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صحرائیان، علی (۱۳۸۲)، «تضمینات و محدودیت‌های وارده بر استقلال و بی طرفی قضات در ایالات متحده»، فصلنامه حقوق اساسی، شماره ۱، صفحه ۲۰۳-۲۲۴.
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۳)، حقوق اداری، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات سمت.
- علایی، حسین و جعفر براتی (۱۳۹۸)، «بررسی و نقد دادرسی اداری در هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی»، تمدن حقوقی (دوفصلنامه)، ۲ (۴)، صفحه ۹-۳۳.
- علی پور، محمدعلی، سیددرید موسوی مجاب و سیدباسم موالی‌زاده (۱۴۰۱)، «استقلال نهاد تحقیق از نهاد تعقیب کیفری در نظام حقوقی ایران و لبنان»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۶ (۱۱۸)، ۲۲۹-۲۵۲.
- فلاح زاده، علی محمد و محیا کامرانی (۱۳۹۸)، «ارزیابی آیین رسیدگی دیوان محاسبات کشور از منظر دادرسی منصفانه»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۳، شماره ۱۰۸، صفحه ۲۶۷-۲۸۷.
- فضائلی، مصطفی و هدایت الله فلسفی (۱۳۹۷)، دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- فضائلی، مصطفی (۱۳۹۴)، «جایگاه و اصول دادرسی عادلانه در حقوق بشر و دکترین قضایی اسلام»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱ (۱)، ۱۵۹-۱۷۸.
- گرجی ازندیانی، علی اکبر و یونس فتحی (۱۳۹۴)، «آسیب شناسی فرایند دادرسی در هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری: تاملی پیرامون یک الگوی مطلوب»، فصلنامه حقوق اداری، ۳ (۹)، صفحه ۲۹-۵۱.
- لطفی، محمد (۱۳۹۵). اصول دادرسی منصفانه در فرایند رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیئت علمی دانشگاه ها، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- محمدعلی زاده اشکلک، حبیب و یاسر رشیدی (۱۳۹۹)، «بررسی اصول دادرسی منصفانه در محاکم کیفری با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، آموزه های حقوقی گواه، ۶ (۱)، ۱۵۳-۱۷۶.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۲)، قواعد فقه بخش جزایی، چاپ بیست و هفتم، جلد ۴، تهران: نشر علوم اسلامی.
- محمدی مغانجویی، فاطمه (۱۳۸۲)، اصول حاکم بر دادرسی منصفانه، مقررات داخلی و بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- مولایی، غلامرضا (۱۳۹۴)، صلاحیت و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، چاپ دوم، تهران: معاونت آموزش، پژوهش و پیشگیری دیوان عدالت اداری، جنگل و جاودانه.
- موسوی بجنوردی، سید محمد و سمیه روحانی (۱۳۹۱)، «شاخصه های عدالت قضایی از منظر امیر المؤمنین علی (ع) بارویکردی برآرای امام خمینی (س)»، پژوهشنامه متین، ۱۴ (۵۴)، ۱۹-۴۳.
- نجابت خواه، مرتضی، فاطمه افشاری و سیدشهاب الدین موسوی زاده (۱۳۹۶)، «بررسی و آسیب شناسی ساختار و صلاحیت های مراجع اختصاصی اداری در حقوق اداری ایران»، دیدگاه های حقوق قضایی، ۲۲ (۷۷ و ۷۸).
- نکویی، محمد (۱۳۹۱)، «ملاحظات در نظریه مشورتی اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه در زمینه اختیار صدور حکم توسط هیئت عالی نظارت بر رسیدگی به تخلفات اداری»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، بهار (۵۷) ۱۵.
- هاشمی شاهرودی، سیدمحمد (۱۳۸۸)، پژوهش های نو در عصر معاصر، قم: وزارت دادگستری.
- هاشمی، محمد (۱۴۰۰)، حقوق بشر و آزادی های اساسی، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.
- هداوند، مهدی و مسلم آقایی طوق (۱۳۹۵)، دادگاه های اختصاصی اداری در پرتو اصول و آیین های دادرسی منصفانه (حقوق ایران و مطالعه تطبیقی)، چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی.
- یآوری، اسدالله (۱۳۸۳)، «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین»، فصلنامه حقوق اساسی، شماره ۲.

عربی

- ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۱ق)، السرائر، قم: الطبعه الثانيه.
- ابن رشد، محمد بن احمد (۱۴۱۵ق)، بدایه المجتهد و نهایه المقتصد، به تحقیق: خالد عطار، بیروت: دارالفکر.
- انصاری، مرتضی (الشیخ الانصاری) (۱۴۱۰)، القضاء الاسلامی (بقلم میرزا حسین قلی)، جلد اول، بی جا: الهدی المؤسسة الاسلامیة للنشر.
- آشتیانی، میرزا محمدحسن (بی تا)، کتاب القضاء، قم: دار الهجرة.

- بهوتى، منصور بن يونس (١٤١٨ق)، كشاف القناع عن متن الاقناع، بيروت: دارالكتب العلميه.
- تبريزى، ميرزا جواد (١٤١٥ق)، اسس القضاء و الشهادة، بى جا: مؤسسة الامام الصادق (ع).
- جبعى عاملى، زين الدين بن على (شهيد ثانى) (١٣٦٩)، الروضة البهيمه فى شرح اللمعة الدمشقه، قم: علميه.
- حر عاملى، محمد حسن، (١٤١٤ق)، وسائل الشيعه، ج ١٨، بيروت: دار احياء التراث العربى.
- حلى، نجم الدين جعفر بن الحسن (المحقق) (١٤١٥ق)، شرائع الاسلام فى مسائل الحلال و الحرام، جلد چهارم، قم: مؤسسة المعارف الاسلاميه.
- خوانسارى، سيد احمد (١٤٠٥)، جامع المدارك فى شرح المختصر النافع، جلد ششم، چاپ دوم، تهران: مكتبة الصدوق.
- سرخسى، محمد بن احمد (١٤٠٦ق)، المبسوط، بيروت: دارالمعرفه.
- شيخ مفيد، محمد بن محمد (١٣٨٩)، ارشاد، قم: انتشارات سرو.
- طوسى، ابى جعفر محمد بن الحسن بن على (١٣٥١)، المبسوط فى فقه الاماميه، جلد هشتم، بى جا: المكتبة المرتضوية لاحياء الآثار الجعفرية.
- كلينى، محمد بن يعقوب (١٤١٣ق)، اصول كافى، ج ٢، بيروت: دارالكتاب العربى.
- محمدى رى شهرى، محمد (بى تا)، موسوعه الامام على بن ابى طالب، ج ٤، قم: انتشارات دارالحديث.
- نجفى، محمد حسن (بى تا)، جواهرالكلام، چاپ هفتم، جلد ٤٠، بيروت: دار احياء التراث العربى.

انگليسى

- Burns, N. and SK. Grove (1993). **The Practice of Nursing Research**, 2nd ed. Philadelphia, W.B. Saunders Company, 1993.
- Ghaljaie, F., Naderifar, M., Goli, H. (2017). Snowball Sampling: A Purposeful Method of Sampling in Qualitative Research. **Strides in Development of Medical Education**, 2017; 14 (3): -. doi: 10.5812/sdme.67670
- LaRossa, R. (2005). Grounded Theory Methods and Qualitative Family Research, **Journal of Marriage and Family**, November 2005, 67 (4):837 – 857.